



دانشگاه گوارزی و منابع طبیعی کرمان

نشریه کارآفرینی در کشاورزی
جلد دوم، شماره اول، بهار ۱۳۹۴
<http://jead.gau.ac.ir>

شناسایی مشکلات زنان کارآفرین استان کرمانشاه

* رضوان قمبرعلی^۱ و فرحناز رستمی^۲

^۱ استادیار گروه توسعه روستایی، دانشگاه لرستان،

^۲ استادیار گروه ترویج کشاورزی و توسعه روستایی، دانشگاه رازی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۴/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۳/۱۱

چکیده

افزایش قابل ملاحظه زنان شاغل واقعیت انکارناپذیر جامعه ایران است. با وجود این، تجربه اجتماعی حاکی از آن است که تعداد کمی از زنان شاغل کارآفرین هستند. برای ظهور فعالیت‌های کارآفرینانه وجود زمینه‌ها و شرایط فرهنگی اجتماعی مناسب ضروری است. مطالعه مشکلات زنان کارآفرین به شناسایی محدودیت‌های موجود، اصلاح مسیر آتی و در نهایت افزایش کارآیی فردی و اجتماعی آنان کمک می‌کند. لذا، هدف این مقاله بررسی مشکلات و محدودیت‌هایی است که زنان کارآفرین در روند فعالیت کارآفرینانه خود با آن‌ها روبرو هستند. این مطالعه با بهره‌گیری از پارادایم کیفی و رویکرد گراند تئوری انجام شد. جهت جمع‌آوری اطلاعات از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته و یادداشت‌برداری استفاده شد. مطالعه با نمونه‌گیری هدفمند شروع و در طی تکامل طبقات، با نمونه‌گیری نظری ادامه یافت. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مقایسه‌ای به شیوه استراوس و کوربین استفاده شد. در تحقیق حاضر ۱۵ نفر از زنان کارآفرین استان کرمانشاه که در سه بخش (صنعت، کشاورزی و خدمات) فعالیت می‌کردند، شرکت کردند. نتایج نشان داد که زنان کارآفرین با مشکلات و موانع مالی، بازاریابی، شخصیتی، خانوادگی، فرهنگی و علمی روبرو می‌باشند. عدم دسترسی به سرمایه، عدم اعتماد بانک‌ها و سرمایه‌گذاران، عدم دسترسی به بازار، وجود واسطه‌ها و

*مسئول مکاتبه: rezvangh20007@yahoo.com

دلالت‌ها، فقدان دانش حقوقی، دانش مالی و حسابداری، تضاد نقش‌ها، فشارهای روحی، وجود تبعیض‌ها، وجود فرهنگ مردسالاری در جامعه و ترس از شکست از جمله این مشکلات می‌باشند.

واژه‌های کلیدی: کارآفرینی، زنان کارآفرین، موانع کارآفرین، نظریه بنیانی

مقدمه

بسیاری از محققان معتقدند که فعالیت‌های کارآفرینی توسط زنان، نقش برجسته‌ای در سلامت اقتصاد ملت‌ها دارد. شواهد موجود نشان می‌دهد زنان در مدت کوتاهی توانسته‌اند با ورود به عرصه کسب و کار، تحولات عظیمی در توسعه اقتصادی کشورها ایجاد کنند. چنانچه آمارها نشان می‌دهد فعالیت‌های اقتصادی زنان ۲۵ تا ۳۵ درصد کل فعالیت‌های اقتصادی جهان را تشکیل می‌دهد (کانتور، ۲۰۰۲). در واقع، امروزه در عرصه جهانی، زنان خلاق، نوآور و مبتکر به‌عنوان کارآفرینان، منشأ تحولات بزرگی در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی شده‌اند و نقش آنان به‌عنوان موتور توسعه اقتصادی، قهرمانان ملی و توسعه صنعتی، محرک و مشوق سرمایه‌گذاری، عامل ایجاد اشتغال، گزینه اصلی انتقال فناوری و عامل رفع خلل و تنگناهای بازار، در جوامع تبیین یافته است.

با وجود این‌که در ایران زنان ۴۹ درصد از کل جمعیت را تشکیل می‌دهند، نرخ مشارکت اقتصادی این گروه تنها ۱۱/۸ درصد می‌باشد. پایین بودن نرخ مشارکت اقتصادی در میان زنان در حالی است که نرخ بیکاری زنان در جامعه نزدیک به دو برابر مردان است. نرخ بیکاری زنان بیش از ۲۰ درصد است که این نرخ در زنان جوان ۲۰ تا ۲۴ ساله ۵۰/۴ درصد می‌باشد (مرکز آمار ایران، ۲۰۱۱)، این میزان با میانگین فعالیت اقتصادی زنان در جهان (۳۰ درصد) فاصله‌ای بسیار دارد. در سال‌های اخیر، زنان که نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، گرایش بیشتری به تحصیلات دانشگاهی پیدا کرده‌اند و نرخ ورود زنان و دختران به دانشگاه‌ها، سال به سال در حال افزایش است. در حالی که بر اساس آمارهای رسمی، نرخ بیکاری نیز در میان بانوان تحصیلکرده به‌صورت قابل توجهی در حال افزایش می‌باشد. به‌نظر می‌رسد جذب این تعداد نیروی تحصیل‌کرده در سازمان‌های دولتی موجود که اکثراً با تورم نیروی انسانی مواجه هستند، عملی نباشد. بخش خصوصی نیز با توجه به گستره محدود آن در ایران طبیعتاً نتوانسته است در جذب این سرمایه‌های ملی موفقیت قابل توجهی داشته باشد. لذا، حل معضل بیکاری و ایجاد اشتغال را به یکی از مهمترین دغدغه‌های دولت تبدیل کرده است. مطالعات

انجام شده در سطح جهان نشان می‌دهد که در کارآفرینی، استراتژی زنان و مردان متفاوت است. زنان برای کسب و کار و ورود به بازار کار و بقا در آن اهداف متفاوتی را دنبال می‌کنند. این بررسی‌ها همچنین تأکید می‌کند که در بیشتر موارد، زنان رضایتمندی درونی را برسودآوری ترجیح می‌دهند و کمتر به توسعه کسب و کار خود علاقه‌مندند. از سوی دیگر به رغم افزایش آگاهی‌ها و تحصیلات و تخصص زنان در حوزه‌های مختلف، تعارض نقش در خانه و بیرون از خانه و کمی ارتباطات درون گروهی بین زنان از عوامل انزوای کارآفرینی زنان است. علاوه بر چالش‌های جهانی که زنان برای کارآفرینی و راه‌اندازی کسب و کار برای خود و دیگران با آن روبه‌رو هستند، زنان ایرانی با موانع جداگانه روبه‌رو هستند که به گواه کارشناسان اجتماعی و اقتصادی بخشی از این موانع ناشی از محیط و بخشی دیگر تابع تنگناهای شخصیتی و تربیتی زنان است. لذا، هدف این مقاله شناسایی مشکلات و موانعی می‌باشد که زنان کارآفرین در فعالیتهای کارآفرینانه خود با آن روبرو می‌باشند. مطالعه موانع کارآفرینی زنان به شناسایی محدودیت‌های موجود، اصلاح مسیر آتی و در نهایت افزایش کارایی فردی و اجتماعی آنان کمک می‌کند.

مروری بر ادبیات و پیشینه تحقیق: با توجه به محدود بودن تحقیقات درباره کارآفرینی زنان، تعریف واژه کارآفرینی زنان بسیار محدود می‌باشد. یکی از معهود تعاریف توسط براش (۱۹۹۷) ارائه شده است "فعالیت زنانی که در زمینه خوداشتغالی مشارکتی، خوداشتغالی مستقل، کارفرمایی و کسب و کارهایی با مالکیت انحصاری صورت می‌گیرد". لاوی (۱۹۹۵) نیز زنان کارآفرین را به این شکل تعریف می‌کند "زنانی که به تنهایی یا با مشارکت، کسب و کاری را ایجاد کرده و یا از طریق ارت پذیرفته‌اند و با قبول ریسک‌های مالی، اجتماعی، اخلاقی و روانی، با خلاقیت و نوآوری محصولات جدیدی را تولید کنند تا در بازار بر رقبا غلبه یابند" (گلرد، ۲۰۰۴). زنان کارآفرین دنیا حول چهار محور اساسی "قابلیت کارآفرینی از طریق افزایش دانش و مهارت"، "ایجاد فرصت‌های کسب و کار در بخش‌های مختلف اقتصادی"، "واگذاری امکانات ایجاد کسب و کار از جمله تسهیلات مالی" و "تشکیل شبکه‌های محلی، منطقه‌ای و جهانی" فعالیت‌های خود را سامان داده‌اند. مجموع این اقدامات سبب شده تا در بسیاری از کشورهای جهان زنان سهم عمده‌ای را در فعالیت‌های کارآفرینانه جوامع خود به عهده بگیرند و اقتصاد ملی را تا حد زیادی به خود وابسته کنند (صابر، ۲۰۰۲).

تامبونن (۲۰۰۹) با توجه به ادبیات موجود کارآفرینی در کشورهای در حال توسعه، معتقد است که سه گروه کارآفرین زن وجود دارد. تصادفی، اجباری و خلق شده. این طبقه‌ها براساس این‌که چطور

کسب و کار آن‌ها شروع شده است یا دلایل و انگیزه اصلی آن‌ها از راه‌اندازی کسب و کارشان چه بوده است، متفاوت هستند. کارآفرینان تصادفی آن‌هایی هستند که کسب و کارشان را بدون هیچ‌گونه اهداف و طرحی شروع کرده‌اند. کار آن‌ها احتمالاً به شکل سرگرمی و مشغولیات ظاهر شده و یا به صورت فعالیت اقتصادی اضافی در نظر گرفته می‌شود. کارآفرین اجباری، آن‌هایی هستند که به واسطه شرایط مجبور شدند (مثل مرگ همسر، مواجه شدن خانواده با مشکل مالی) کارشان را شروع کنند، انگیزه اولیه آن‌ها مسأله مالی است. کارآفرینان خلق شده آن‌هایی هستند که برانگیخته شدند، تشویق و توسعه پیدا کرده‌اند و علاقه فراوان به کارآفرینی دارند (تامبونن، ۲۰۰۹).

با وجود این‌که فرایند کارآفرینی برای زنان و مردان یکسان است، در عمل زنان با مشکلاتی روبرو هستند که ابعاد و اندازه‌های متفاوتی دارند و مانع می‌شود آن‌ها پتانسیل کامل خود را به‌عنوان کارآفرین به‌کار گیرند. در بنگلادش، تعداد زیادی از زنان به‌طور غیررسمی فعالیت کارآفرینانه را انجام می‌دهند و آن‌ها در اقتصاد کشورشان مورد توجه قرار نمی‌گیرند. این کارآفرینان با فقدان اطلاعات، فرصت‌های بازاریابی و حمایت‌های قانونی و اجتماعی مواجه هستند. در نپال، مشکلاتی که زنان کارآفرین با آن روبرو هستند دسترسی پایین به اعتبارات و شبکه‌های ارتباطی بازاریابی، فقدان دسترسی به زمین و دارایی، کاهش ظرفیت ریسک‌پذیری، فقدان دسترسی به تکنولوژی مدرن، فقدان امنیت شخصی و رقابت شدید واحدهای سازمان یافته در بازارهای ملی و بین‌المللی، سطح پایین خوداتکایی و موانع اجتماعی و فرهنگی، و مسئولیت انحصاری برای کار خانه و محدودیت در تحرک می‌باشند (تامبونن، ۲۰۰۹). محدودیت اصلی زنان در سوریه، فقدان دسترسی به سازمان‌های مالی جهت سرمایه‌گذاری در شروع کسب و کارشان و توسعه آن است. شواهد نشان داد که زنان به‌طور فراوان بر سرمایه شخصی خودشان نسبت به سرمایه خارجی تکیه دارند. به‌علاوه دسترسی به سرمایه خارجی بیشتر بواسطه این حقیقت که زنان اغلب نمی‌دانند چطور به سرمایه رسمی دست پیدا کنند، محدود شده است. زنان کارآفرین با مشکلات بیشتری همچون فقدان وثیقه جهت گرفتن وام و تبعیض از سوی سازمان‌ها روبرو می‌باشند (مجد و همکاران، ۲۰۱۰). زنان در کامرون به‌طور کلی با محدودیت‌های فراوانی جهت کار در بیرون از منزل روبرو هستند و این مسأله منجر به این حقیقت می‌شود که موانع سستی و سازمانی، آن‌ها را در دسترسی به منابع مالی و دیگر منابع محدود کند. مشکلات اصلی زنان در کامرون، عدم دسترسی به زمین زراعی کافی، افزایش سرمایه، کمبود نیروی کار و فشار زمان و دزدی است (فونجونگ، ۲۰۰۴). برس (۱۹۹۷)، معتقد است که عدم توانایی زنان کارآفرین در دسترسی به

اعتبارات به دلیل فقدان دانش در مورد سازمان‌های اعتباری، فقدان وثیقه و بی‌سوادی است. در تحقیقی که در زمینه بررسی تأثیر نابرابری جنسیتی بر کارآفرینی زنان در ایران صورت گرفته، موانع خانوادگی، نظام تعلیم و تربیت، ناهمخوانی انتظارات نقشی، باورهای کلیشه‌ای و مناسبات حاکم بر سازمان کار به‌عنوان مهم‌ترین موانع کارآفرینی زنان ایرانی قید گردیده است (جوهری، ۲۰۰۵). در بررسی صورت گرفته در بین زنان کارآفرین در تعاونی‌های استان مازندران، مشکلات مالی، اختلاف میان اعضا و تبعیض علیه زنان، به‌عنوان مهم‌ترین موانع کارآفرینی زنان در تعاونی‌ها مطرح گردیده است (کریمی، ۲۰۰۶). بدیهی است که در مسیر توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه زنان، موانع و مشکلات متعددی وجود دارد که شناسایی و رفع آن‌ها منجر به تسهیل این امر خواهد شد.

روش تحقیق

این مطالعه با روش کیفی و رویکرد گراند تئوری انجام شد. مطالعه با نمونه‌گیری هدفمند شروع و با نمونه‌گیری نظری ادامه یافت. جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها به‌صورت همزمان انجام شد. دو روش برای جمع‌آوری داده‌ها مورد استفاده قرار گرفت: مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته و یادداشت‌برداری. داده‌ها به واسطه ۱۵ مصاحبه با کارآفرینان جمع‌آوری گردید. مصاحبه‌ها با سؤالات کلی و ساده شروع و به سمت سؤالات جزئی‌تر پیش رفت و هر مصاحبه حدود ۴۵ تا ۹۰ دقیقه طول کشید. تمام مصاحبه‌ها ضبط و دست‌نویس شد و به تأیید مشارکت‌کنندگان رسید. داده‌های به‌دست آمده از هر مصاحبه جهت کدگذاری به‌صورت نوشتاری درآمد و به روش تحلیل مقایسه‌ای مداوم و مطابق با روش استراوس و کوربین مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

بعد از هر مصاحبه متون از نوار استخراج و کلیه مصاحبه‌ها خط به خط خوانده شد و به کرات بازنگری شد و با استفاده از کلمات یا عبارات کلیدی موجود در متن یا استنباط شده توسط محقق کدگذاری انجام گردید. سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی بر روی داده‌ها انجام شد. در طول مطالعه، روش‌هایی برای اطمینان از صحت و پایایی تحقیق مورد استفاده قرار گرفت. تماس و ارتباط طولانی مدت محقق با محل‌های تحقیق، مسئولین مربوطه و مشارکت‌کنندگان، به جلب اعتماد مشارکت‌کنندگان و نیز به درک محیط پژوهش توسط محقق کمک کرد. برای تأیید صحت داده‌ها و کدها از بازنگری شرکت‌کنندگان استفاده شد. یعنی بعد از کدگذاری متن مصاحبه به شرکت‌کنندگان بازگردانده شد تا از صحت کدها و تفاسیر اطمینان حاصل شود. کدهایی که از نظر شرکت‌کنندگان

بیانگر دیدگاه آنان نبود، اصلاح شد. این روش یکی از وجوه مثلث‌سازی می‌باشد که باعث اعتبار درونی تحقیق می‌گردد.

یافته‌ها: در مجموع از مصاحبه با ۱۵ نفر از زنان کارآفرین، اشباع اطلاعاتی حاصل شد. دامنه سنی شرکت‌کنندگان از ۲۵ سال تا ۵۸ سال و میانگین سن آن‌ها ۳۵ سال بود. ۷ نفر از کارآفرینان مجرد و بقیه متأهل بودند. ۶ نفر از زنان دارای تحصیلات دانشگاهی بودند و بقیه دارای مدرک دیپلم بودند. ۵ نفر از آنان ساکن شهرستان کرمانشاه بودند، ۴ نفر ساکن شهرستان سنقر و ۶ نفر دیگر ساکن شهرستان صحنه بودند. مشاهدات انجام شده (۱۵ مشاهده در محیط کسب و کار کارآفرینان) و روایات جمع‌آوری شده نیز به غنای اطلاعات کمک نمود.

با تلفیق داده‌ها و انجام کدگذاری‌های محوری و انتخابی، موانع و مشکلات زنان کارآفرین استان کرمانشاه در قالب ۶ طبقه مفهومی موانع شخصیتی، موانع مالی، موانع خانوادگی، موانع علمی، موانع فرهنگی و موانع بازاریابی استخراج گردید که در ادامه تشریح می‌گردند. پس از انجام کدگذاری محوری نهایتاً در مرحله کدگذاری انتخابی متغیر اصلی شناسایی و تعیین گردید. ضمن تمرکز بر فرایندی که در داده‌ها نهفته بود، در این مرحله محقق توجه خود را به این امر معطوف نمود که کدام مقوله یا متغیر است که بیش از همه در داده‌ها تکرار شده و قادر است سایر متغیرها را به یکدیگر ارتباط دهد. در این میان "موانع فرهنگی" متغیر اصلی بود که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم سایر متغیرها را تحت تأثیر خود قرار می‌داد و در کلیه داده‌ها به‌طور بارز مطرح شده بود. لازم به ذکر است که این مقوله‌ها به‌همراه زیر طبقه‌ها در پایان قسمت یافته‌ها و در قالب جدول (۱) آورده شده‌اند.

موانع شخصیتی: عدم اعتماد به نفس و پایین بودن انگیزه پیشرفت در زنان از موانع کارآفرینی به‌شمار می‌آیند. بسیاری از زنان کارآفرین معتقد بودند زنان به‌دلیل گرایش به دستورپذیری و همین‌طور تمایل کم به ریسک‌پذیری ترجیح می‌دهند به سراغ کارآفرینی نروند. بیشتر زنان به‌دلیل فقدان دانش و اطلاعات برای راه‌اندازی کارآفرینی با عدم اعتماد روبرو هستند. می‌توان گفت میان توانایی‌هایی شخصیتی از قبیل اعتماد به نفس و پنداشت از خود، بر اشتغال زنان رابطه متقابل وجود دارد، به‌طوری که پنداشت از خود و اعتماد به نفس بالا تأثیر مستقیم بر اشتغال زنان و موقعیت شغلی آنان دارد. نبود اعتماد به نفس، ترس از شکست و ملامت اطرافیان به‌ویژه اعضای خانواده از موانع بازدارنده است. سطح پایین آموزش باعث سطح پایین اعتماد به نفس زنان می‌شود. توانایی بدنی بسیاری از زنان در

تحمل فشارهای کاری نسبت به مردان پایین تر می باشد به طوری که طی مصاحبه هایی که با زنان انجام شد آن ها به کرار از مشکلات سلامتی همچون: استرس، سردرد، خستگی چشم، کمر درد، معده درد، فشار خون، درد مفاصل، کوفتگی و کم خوابی شکایت داشتند. البته این مشکلات در زنانی که به تازگی کسب و کارشان را راه اندازی کرده بودند، بیشتر بود. دلیلش آن است که در سال های ابتدایی حجم کارها بالا می باشد اما بعد از مدتی حجم فعالیت های کارآفرین کاهش می یابد و بیشتر نقش مدیریتی را ایفا می کند. یکی از زنان که چند سال است کسب و کارش را راه اندازی کرده است و دارای همسر و دو فرزند می باشد می گوید " من اغلب روزها وقتی که به منزل می رسم به دلیل مشغله ها و استرس های فراوان آن قدر دچار خستگی و کوفتگی هستم که حتی حوصله ندارم با فرزندانم صحبت کنم و به سختی می توانم به امور خانواده ام رسیدگی کنم".

موانع مالی: شرکت کنندگان در مطالعه حاضر، مشکل مالی را به عنوان مهم ترین مشکل ذکر کردند که اکثر کارآفرینان با آن روبرو هستند. زنان کارآفرین در زمان شروع و در طول اداره فعالیتشان با مشکلات مالی همچون گرفتن وام و کمک هزینه، عدم وجود امنیت مالی، زمان صرف شده در طول فرآیند گرفتن وام، برنامه سخت و سفت پرداخت غرامت، مدیریت مالی ضعیف و نگهداری حسابها رو برو می باشند. تعداد کمی از زن ها توانسته اند از اعتبارات بانکی استفاده کنند و بیشتر آنان بر پس اندازهای شخصی خود تکیه می کنند. آن ها به دلیل وجود موانع در دریافت اعتبارات ترجیح می دهند از منابع مالی خصوصی همچون خانواده و دوستان و سرمایه گذاری مجدد درآمدهای به دست آمده از کسب و کارشان استفاده نمایند. بیشتر زنان ذکر کرده اند که با مشکلات اساسی همچون: عدم توانایی در فراهم کردن یک وثیقه تضمین شده جهت راه اندازی یک فعالیت کارآفرینی (به ویژه در روستاها) و نگرش منفی بانکها و مؤسسات مالی نسبت به زنان، عدم پذیرش طرح های توسعه ای، و تأخیر در پرداخت وام روبرو می باشند. در مرحله توسعه کسب و کار استفاده از هرگونه وام بانکی توسط کارآفرینان، مستلزم تهیه و ارائه طرحی مشخص می باشد. در برخی موارد طرح ارسالی مورد قبول دستگاه های تصمیم گیر ذیربط واقع نمی شود و یا در برخی موارد با تأخیر و به واسطه پیگیری فراوان کارآفرینان موافقت حاصل می شود. در بیشتر مواقع به دلیل محدودیت های اعتباری و نیز تشریفات اداری وامها دیر پرداخت می شود که موجب کندی و تعویق فعالیت های کارآفرینی زنان شده است.

زن کارآفرینی که در زمینه پرورش ماهی فعالیت می‌کرد، می‌گوید: "او ترجیح می‌دهد بر سرمایه خودش تکیه کند چون گرفتن وام از بانک با مشکلات زیادی همراه می‌باشد. لذا، او معتقد است برای کارش باید به دنبال یک حامی باشد."

موانع فرهنگی: یکی از مشکلات اساسی که زنان کارآفرین با آن روبرو می‌باشند، مشکلات فرهنگی می‌باشد. متأسفانه زنان کارآفرین اظهار می‌داشتند که فشار زیادی را از سوی محیط خود پذیرا گشته‌اند و با عکس‌العمل‌های متعدد در شروع کسب و کار در قالب مضامینی هم چون «زن را چه به این حرف‌ها» مواجه بودند. زنان بیان داشتند که در جامعه با نوعی تبعیض جنسیتی روبرو می‌باشند و با آن‌ها به گونه‌ای رفتار می‌شود که توانایی اداره و کنترل یک کسب و کار را ندارند و چون زن می‌باشند، نمی‌توانند از عهده این فعالیت‌ها برآیند و کارهای اینچنینی که با ریسک بالا روبرو می‌باشد تنها مخصوص مردان است که قوی و نیرومندتر می‌باشند. بنابراین می‌توان گفت بزرگترین مانع زنان این است که آن‌ها زن هستند. وجود پدرسالاری در جامعه مانعی را برای موفقیت زنان ایجاد کرده است.

یکی از زنان می‌گوید "من باید مثل یک مرد رفتار می‌کردم تا در شغلم موفق باشم، باید حتی در لباس پوشیدن و رفتارم هم عادت‌های زنانه را فراموش می‌کردم". زن کارآفرین دیگری می‌گوید "زمانی که برای اولین بار برای راه‌اندازی کسب و کارم به اداره مربوطه مراجعه نمودم، آنجا یکی از کارمندان با نگاهی که حاکی از تحقیر بود و با لحن تندی به من گفت: خانم بیکاری اومدی دنبال این کارا بهتر نیست بری به شوهر و بچه‌ها رسیدگی کنی" متأسفانه نگرش منفی به نقش اجتماعی زن و ارائه تعریفی مشخص از او و محصور نمودن وظایفش در امور خانه‌داری، همسر داری و بچه‌داری، دلایل اولیه‌ای است که موجب برخوردها، مخالفت‌ها و ممانعت‌های حضور اجتماعی زن می‌شود و باعث می‌شود چنین نحوه برخوردی در سازمان‌های اقتصادی اجتماعی به چشم بخورد و نوعی عدم خودباوری را در آنان به وجود آورد. این برخوردها یا به صورت مستقیم و اظهار نظر منفی در مقابل ابتکارها و نوآوری‌ها بروز پیدا می‌کند و یا به صورت تأخیر در ایجاد و توسعه کسب و کار و عدم ارائه امکانات لازم و برخورد بی‌تفاوت با موضوع نمایان می‌گردد. برای بسیاری از کارگزاران این سازمان‌ها به‌ویژه در شروع بسیار سنگین بوده که یک زن به‌طور مستقل و جدا از چتر حمایتی یک مرد بتواند با ابتکار عمل، خلق و ایجاد یک ایده، کسب و کار جدیدی تأسیس نماید.

همچنین این باورهای فرهنگی سبب شده است که فضایی امن برای حضور زنان در برخی صحنه‌ها فراهم نباشد. به‌عنوان مثال رفت و آمد آن‌ها در برخی مکان‌ها، سفرهای داخلی و خارجی،

رانندگی در جاده‌های بین شهری مواردی است که یا به تنهایی بر ای یک زن امکان‌پذیر نیست و یا به سختی انجام می‌شود. زنان نمی‌توانند به تنهایی و بدون حضور همسر، پدر یا یکی از محارمشان به جاهای دور سفر کنند. این امر سبب می‌شود آزادی تحرک زنان محدود گردد.

موانع بازاریابی: مشکل بازاریابی یکی دیگر از مشکلاتی است که توسط زنان کارآفرین به‌طور مکرر بیان گردیده است. در طول فرایند بازاریابی تولید، زنان با مشکلات خاصی همچون فقدان دانش کافی در مورد بازار تولیدات، وجود واسطه‌ها، فروش ناکافی، فقدان حمایت از بازار صادرات، مکان نامرغوب فروشگاه، فقدان تسهیلات حمل و نقل، رقابت سخت واحدهای بزرگتر و مشکل تهیه وسیله نقلیه روبرو می‌باشند. بیشتر زنان به یادگیری در رابطه با این‌که چگونه به بازارهای دسترسی پیدا کنند و چگونه از تکنولوژی جهت رشد کسب و کارشان استفاده نمایند، علاقمند هستند. برای نمونه، یکی از زنان کارآفرین که به تازگی کسب و کارش را راه‌اندازی کرده بود، می‌گوید: "من در اغلب اوقات با مشکل بازاریابی تولیداتم روبرو هستم، من مهارت زیادی در زمینه بازاریابی ندارم و نمی‌دانم چگونه باید برای تولیداتم مشتری پیدا کنم. به همین دلیل مجبورم از دلال‌ها کمک بگیرم. این امر باعث می‌شود که مقداری از درآمدم را از دست بدهم"

بسیاری از کارآفرینان در مرحله ایجاد و حتی توسعه کسب و کار خود مشاور و راهنمایی مناسب برای خود نداشته‌اند. آنچه در یافت کرده‌اند از طریق تجارب شخصی، تأثیر مدیران قبلی و مشاهده تجارب دیگران بوده است و هیچ‌گاه با نهادی که نقش مشاور را در صنعت خود ایفا نمایند، برخورد نداشته‌اند. عنصر مهم رشد و توسعه کسب و کارهای کارآفرینی و به‌خصوص در رابطه با زنان، وجود نظام‌های حمایتی کافی برای ارائه اطلاعات موردنیاز، مشاوره فنی، توصیه و راهنمایی می‌باشد. هنوز یک شبکه مشاوران خارجی فراهم نشده است. بیشتر زنان با یک مشاور داخلی مشورت می‌کنند. اکثر زنان از اعضای خانواده برای تصمیم‌گیری مشورت می‌کنند و به‌دلیل عدم توسعه شبکه‌های حمایتی آنها از مشاوران خارجی بسیار کم استفاده می‌کنند.

موانع خانوادگی: منظور از موانع خانوادگی آن دسته از موانعی است که از سوی اعضای نزدیک خانواده (خانواده اولیه، همسر، خانواده همسر و فرزندان) برای یک زن کارآفرین ایجاد شده است. داشتن مسئولیت اولیه برای بچه‌ها، خانه و اعضای مسن‌تر خانواده باعث می‌شود زنان کمی بتوانند همه زمان و انرژی‌شان را به شغلشان اختصاص دهند. از مواردی که زنان به‌عنوان مشکلات خانوادگی

ذکر کرده‌اند مخالفت و حساسیت همسرانشان و مخالفت والدین با فعالیت‌های کارآفرینی دخترانشان می‌باشد. یکی از زنان کارآفرین متأهل با ناراحتی می‌گوید: "همسرم دوست ندارد من در این حرفه فعالیت کنم"

وجود مسئولیت خانه‌داری و مراقبت از فرزندان و از سوی دیگر حجم بالای کار و کمبود وقت باعث بروز مشکلاتی برای زنان شده است. زنان کمی می‌توانند همه زمان و انرژی‌شان را به شغلشان اختصاص دهند. زنان دارای نقش دوگانه‌ای می‌باشند از یک طرف باید در خانه نقش همسر و مادر را بازی کنند و باید بتوانند از فرزندانشان مراقبت کنند و از طرف دیگر، در محیط کار نیز نقش خود را به خوبی ایفا کنند. بسیاری از زنان کارآفرین بیان کردند که موفقیت شغلی آن‌ها وابسته به حمایت اعضای خانواده از آنها در فرایند شغل و مدیریت است. بنابراین، علاقه اعضای خانواده عامل مهمی در تحقق آرزوهای زن است. با این وجود بعضی از کارآفرینان اظهار داشتند که در شروع کسب و کارشان با هیچ‌گونه حمایت معنوی از سوی خانواده اشان دریافت نکردند. به‌عنوان مثال، یکی از زنان اظهار داشت: "خانواده من، مرا باور نداشتند. آن‌ها تجربه کارآفرینی نداشتند و من هیچ حمایتی را از آنان دریافت نکردم، هیچ‌کس مرا حمایت نکرد و هر کسی به من می‌خندید. وقتی خانواده‌ام موفقیت‌م را دیدند گفتند ما معتقد نبودیم که تو بتوانی موفق شوی."

موانع علمی: موانع تحصیلی از جمله مهم‌ترین موانعی است که بسیاری از زنان را از فرصت‌ها محروم ساخته است. سطح تحصیلات پایین در زنان و عدم درک و آگاهی زنان از محیط کسب و کار و عوامل محیطی حاکم بر آن مشکلات متعددی را برای زنان کارآفرین ایجاد کرده است. برخی از زنان کارآفرین مورد مطالعه اظهار داشتند که آن‌ها از فن‌آوری‌ها بی‌اطلاع هستند و در استفاده از آن‌ها مهارت ندارند و اغلب قادر نیستند به آموزش لازم نیز دست پیدا کنند. علی‌رغم پیشرفت‌های فن‌آوری که صورت گرفته است، بی‌سوادی زنان، مشکلات ساختاری و عدم دسترسی به آموزش‌های فنی از مفید بودن فن‌آوری یا حتی دسترسی به آن جلوگیری می‌کند. بسیاری از آن‌ها از کمبود دانش و مهارت کافی در زمینه‌های مدیریت، حقوق، اطلاعات مالی، فروش و بازاریابی شکایت داشتند. به‌جز مواردی اندک، اکثر آنان بیان می‌کردند که دوره یا برنامه‌ای آموزشی در این زمینه طی نکرده‌اند و برخی از آنان کمبودهای خود را از طریق جلب همکاری همسر و یا استفاده از تجارب دیگران جبران کرده‌اند. آن‌ها همچنین فاقد تکنیک‌های بررسی بازار و اخذ تصمیم‌گیری مناسب تجاری هستند. زنان بیان داشتند که دارای مهارت مذاکره نیستند و در اغلب موارد فرصت‌ها را از دست می‌دهند و دچار زیان می‌گردند.

البته این مشکل در کارآفرینانی که به تازگی کار خود را شروع کرده بودند بیشتر مشاهده می‌شد. یکی از زنان که دارای دو سال سابقه بود، می‌گوید "من نمی‌توانم خوب صحبت کنم و همیشه در خرید مواد اولیه، دستمزد کارکنانم و فروش محصولاتم با مشکلات فراوانی روبرو هستم. در اکثر مواقع من تسلیم می‌شوم، چون نمی‌توانم خوب مذاکره کنم و نمی‌دانم باید چه کار کنم"

جدول ۱- طبقات و زیرطبقات استخراج شده از داده‌ها (موانع مؤثر بر کارآفرینی زنان).

طبقات اصلی	زیرطبقات
موانع مالی	بروکراسی اداری، اخذ مجوز، کمبود سرمایه شخصی، عدم دسترسی به سرمایه، هزینه بالای تولید، عدم اعتماد بانک‌ها و سرمایه‌گذاران، هزینه تأمین مواد اولیه
	عدم دسترسی به بازار، عدم شناخت در مورد چگونگی ورود به بازار، عدم آشنایی با مهارت‌های جذب مشتری، فقدان مهارت مذاکره، عدم آگاهی از چگونگی ورود به بازار صادرات، عدم اطلاع دقیق از قیمت‌ها، وجود واسطه‌ها و دلال‌ها، فقدان تسهیلات حمل و نقل، مشکل بودن رقابت با واحدهای بزرگتر
موانع علمی کارآفرین زنان	سطح تحصیلات پایین، فقدان دانش حقوقی، دانش مالی و حسابداری، دانش و مهارت‌های اطلاعاتی، دانش و مهارت‌های بازاریابی، دانش فنی، دانش برنامه‌ریزی، دانش و مهارت رهبری و مدیریت
	کمبود حمایت معنوی و مادی از سوی خانواده، تضاد نقش‌ها، نگرش همسر نسبت به کارآفرینی، خانواده همسر، فرزندان، برقراری تعادل بین کار و زندگی شخصی، نداشتن زمان کافی برای گذراندن با خانواده
موانع خانوادگی	فشارهای روحی، کمبود توانایی جسمی زنان برای تحمل فشارهای کاری، کمبود اعتماد به نفس در زنان، ریسک‌پذیری پایین زنان، ترس از شکست
	عدم پذیرش زنان در کسب و کار، جدی نگرفتن زنان به‌عنوان صاحب کسب و کار، وجود تبعیض‌ها، برخوردهای نامناسب برخی از سازمان‌ها، ناامنی‌های اجتماعی، وجود فرهنگ مردسالاری در جامعه، عدم آزادی زنان در سفر، رانندگی در جاده‌های بین شهری

نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش به‌خوبی نشان می‌دهد که زنان کارآفرین با مشکلات متعددی در زمینه کسب و کارشان روبرو هستند. اما آنچه که اهمیت دارد آن است که زنان کارآفرین مورد مطالعه علی‌رغم

محدودیت‌های مورد اشاره، خلاقانه توانسته‌اند از سد موانع عبور کنند و مسیر کارآفرینی خویش را هموار سازند و به‌عنوان کارآفرینان موفق شناخته شوند.

از یافته‌های این پژوهش می‌توان به موانع مالی همچون عدم دسترسی به اعتبارات، عدم توانایی زنان در فراهم نمودن وثیقه، عدم اعتماد سرمایه‌گذاران به توانایی‌های زنان و روند طولانی گرفتن وام اشاره نمود که به‌عنوان مهم‌ترین مشکل زنان کارآفرین در این پژوهش شناخته شد. این یافته‌ها توسط محققان دیگر نیز تأیید شده است آن‌ها معتقدند زنان در مقایسه با مردان دسترسی کمتری به منابع دارند (براش و همکاران، ۲۰۰۲؛ هریسون و میسون، ۲۰۰۵؛ کلمن، ۲۰۰۴؛ بون و نوسی، ۲۰۰۰).

سرمایه‌داران احساس می‌کنند زنان نسبت به مردان کمتر توانایی دارند و قابل اعتماد هستند. برای نمونه باتنر و روزن (۱۹۹۸)، فای و ویلیام (۱۹۹۳) گزارش می‌کنند که بانکدارها معتقدند مردان به دلیل داشتن توانایی‌ها و لیاقت‌های بیشتر در ارتباط با کارآفرینی نسبت به زنان موفق‌تر هستند. و این امر احتمالاً به دلیل فقدان تجربه کاری مرتبط، مسئولیت‌های خانوادگی زنان و فقدان ارتباطات اجتماعی آن‌ها با سرمایه‌داران می‌باشد (بکر و جفری، ۲۰۰۷). یکی دیگر از مشکلات زنان کارآفرین به‌خطر افتادن سلامتی آن‌ها در طی فعالیت کارآفرینانه می‌باشد. بسیاری از کارآفرینان اظهار داشتند که در زمان برگشت به منزل با سردرد، خستگی و کم خوابی روبرو هستند به طوری که نمی‌توانند به‌خوبی به امور منزل رسیدگی کنند. یاداو (۱۹۹۳) در مطالعه خود در بررسی مشکلات زنان کارآفرین به این نتیجه رسید که بسیاری از زنان کارآفرین در برگشت به منزل با احساس کوفتگی و خستگی مواجه هستند که می‌تواند در نتیجه فقدان استراحت و خواب کافی و برنامه روزانه سنگین باشد (نایر و همکاران، ۲۰۰۷).

یکی از عوامل زمینه‌ساز مشکلات زنان، تعهدات خانوادگی آن‌ها می‌باشد. براش (۱۹۹۲) معتقد است زنان بیشتر برای راه‌اندازی کسب و کاری برانگیخته می‌شوند که به آن‌ها اجازه انعطاف‌پذیری بدهد و بتوانند بین کار و خانواده تعادل برقرار کنند. باتنر (۱۹۹۳) این نتیجه را تأیید می‌کند. به باور ایشان، زنان بیشتر به واسطه نیازهای خانواده و مردان به واسطه انگیزه‌های اقتصادی تحت تأثیر قرار می‌گیرند و برانگیخته می‌شوند. تبعیض جنسیتی یکی دیگر از عوامل زمینه‌ای می‌باشد که مشکلاتی را در رابطه با فعالیت زنان کارآفرین به‌وجود آورده است. این نتیجه در تأیید یافته‌های فازی و والدز (۱۹۹۸) و لاکسمی (۲۰۱۱) است که معتقدند زنان به دلیل جنسیتشان با موانعی روبرو هستند و این موانع نتیجه اقدامات اجتماعی، تجربه آموزشی و نقش‌های خانوادگی و ارتباطات است. بزرگترین مانع

زنان در کسب و کارشان این است که آن‌ها زن هستند. وجود پدرسالاری در جامعه مانعی را برای موفقیت زنان ایجاد کرده است. مردان فکر می‌کنند این بزرگترین ریسک برای سرمایه داران است که امور مالی به واسطه زنان اداره شود. زنان به‌دلیل جنسیتشان با مشکلاتی همچون عدم اعتماد مؤسسه‌های مالی، تعهدات خانوادگی، پایین بودن مهارت‌های مدیریتی، رقابت زنان و مردان، هزینه بالای تولید، عدم دسترسی به منابع خام و مهارت‌های مذاکره روبرو می‌باشند. زنان کارآفرین دارای انگیزه پیشرفت پایینی می‌باشند.

یکی دیگر از موانع زنان کارآفرین سطح پایین دانش آن‌ها می‌باشد. بسیاری از زنان فاقد مهارت‌های رهبری و مدیریتی می‌باشند. از آن‌جا که رهبری و مدیریت جزء خصوصیات فرد کارآفرین است، عدم ارتقای زنان به مواضع مدیریتی موجب می‌شود ساختار روانی و نظام شخصیتی آن‌ها در زمینه فعالیت‌های کارآفرینانه شکوفا نشود. حتی در موارد محدودی که امکان تصدی زنان در امر مدیریت به‌وجود می‌آید گاه مشاهده می‌شود که آنان بر اساس تصور ضعیفی که از توانایی‌های خود دارند از به‌عهده گرفتن مسؤولیت‌های خطیر امتناع می‌ورزند (جواهری، ۲۰۰۴). از دیگر مشکلات زنان کارآفرین دسترسی پایین آن‌ها به منابع اطلاعاتی و شبکه‌های ارتباطی می‌باشد. بر طبق مطالعات انجام گرفته در کشورهای غربی مشکلات زنان شامل تعهدات خانواده، عدم دسترسی به سرمایه و شبکه ارتباطی می‌باشد. ورهول و توریک (۲۰۰۰) معتقدند زنان کارآفرین زمان کمتری را نسبت به مردان صرف ارتباطات می‌کنند علی‌رغم تلاشی که در آمریکا جهت دسترسی یکسان به اعتبار و سرمایه صورت گرفته است. این ممکن است به‌دلیل طبیعت مردانه ساختارهای مالی و اعتباری و اطلاعاتی باشد (هاردینگ، ۲۰۰۴). نتایج پژوهش مینیتی و همکاران (۲۰۰۴) در "دیده بان جهانی کارآفرینی" نشان می‌دهد که زنان در کشورهای کم درآمد، شبکه‌هایی کوچکتر و با دسترسی جغرافیایی محدودتری دارند، در نتیجه بیشتر شبکه‌هایی شخصی اما محکم می‌سازند. این در حالی است که قرار گرفتن زن کارآفرین در داخل مجموعه‌ای بزرگتر، مهم است، زیرا که بر توانایی مشاهده الگوهای نقش و دسترسی به منابع اثر می‌گذارد (آراستی، ۲۰۰۶).

متغیر اصلی که در این مطالعه به‌عنوان متغیر اصلی شناسایی شد "موانع فرهنگی" بود. این متغیر به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر تمام موانع شناسایی شده زنان کارآفرین تأثیر می‌گذارد و ردپای آن را می‌توان در تمام جنبه‌های زندگی زنان کارآفرین ملاحظه نمود. متأسفانه باورها و هنجارهای فرهنگی محدودیت‌های زیادی را برای زنان شاغل به‌وجود آورده است و این محدودیت‌ها برای زنان کارآفرین

به دلیل گرایش آن‌ها به فعالیت‌های ریسک‌پذیر و خلاقانه بیشتر می‌باشد. زنان شاغل تحت تأثیر همین برچسب‌های جنسی از آن‌جا که احتمال می‌دهند توسط هم‌تایان مرد خود به نحو مناسبی به رسمیت شناخته نشوند از ورود به شبکه غیررسمی همکاران که بیشتر فضایی مردانه دارد، می‌هراسند. این وضعیت بعضی از فرصت‌های کارآفرینی را که از خلال تعامل و گفتگو با دیگران به دست می‌آید، محدود می‌سازد (کلمن، ۲۰۰۴). در سطح سازمان نیز مانند جامعه مصادیقی از باورهای کلیشه‌ای درباره زنان وجود دارد که می‌تواند همچون یک مانع ذهنی عمل کند. برای مثال گاهی گفته می‌شود وقتی کار سخت می‌شود زنان تاب نمی‌آورند، توانایی دیدن چشم‌انداز وسیع را ندارند و برای کار تیمی مناسب نیستند. تأثیر موانع فرهنگی بر فعالیت زنان کارآفرین به موارد فوق محدود نمی‌شود. بر اساس هنجارهای فرهنگی جامعه از زنان متأهل انتظار می‌رود اقدامات یا تصمیمات خود را با اجازه و نظارت همسر خود انجام دهند. رعایت این قاعده کمک می‌کند تا زنان در فعالیت‌های خود از تجربه، همفکری و حمایت شوهرشان برخوردار شوند. اما به‌همین ترتیب گاهی نیز نا هماهنگی میان ترجیحات زن و شوهر می‌تواند مانع توسعه فعالیت‌های شغلی زنان شود. بنابراین، در بعضی از موارد نوآوری، پیشگامی و توان محقق ساختن طرح‌ها و اندیشه‌های نو که از الزامات کارآفرینی است با انتظاراتی که از یک زن در نقش همسری می‌رود نا هماهنگ است (احمدنیا، ۱۳۸۰).

در نهایت با توجه به نتایج به دست آمده، پیشنهادهای زیر در جهت رفع موانع کارآفرینی زنان و فراهم نمودن بستر مناسب جهت فعالیت آنان ارائه می‌گردد:

- تدابیر و تسهیلات آموزشی بهتری باید از طرف دولت برای زنان توسعه داده شود.
- برنامه‌های آموزشی کافی در زمینه مهارت‌های مدیریتی به جامعه زنان ارائه شود.
- آموزش و مشاوره در مقیاس وسیع برای زنان کارآفرین با هدف برطرف ساختن مشکلات روانشناختی همچون فقدان اعتماد به نفس و ترس از موفقیت ارائه گردد.
- برنامه‌های مشاوره بازاریابی و فروش از طرف دولت برای زنان کارآفرین تدارک دیده شود.
- برنامه‌هایی برای تشویق کارآفرینی در بین زنان در سطح محلی توسعه یابد.
- از برنامه‌های نظام اعتباری خرد در راستای رفع موانع مالی زنان کارآفرین در سطح محلی استفاده شود.
- افزایش و گسترش امکانات تسهیل‌کننده در دو سطح جامعه و خانواده برای انجام وظایف خانوادگی زنان به طوری که مانع حضور زنان در عرصه کارآفرینی نشود.
- افزایش آگاهی فرهنگی برای آن‌ها که با محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی که زنان کارآفرین با آن روبرو هستند، مبارزه کنند.

منابع

1. Ahmad Nia, S.H. 2001. Socio-cultural factors affecting women's limited partnership. Iranian Sociological Association. Special Issue of the second Conference of Social Problems, 4: 27-35. (In Persian)
2. Becker-Blease, J., and Jeffrey, E. 2007. Do women-owned businesses have equal access to angel capital? *Journal of Business Venturing*, 22: 503–521.
3. Boden R.J., and Nucci, A.R. 2000. On the survival prospects of men's and women's new business ventures. *Journal of Business Venturing*, 15: 347–362.
4. Breth, S.A. 1997. *Women Agricultural Intensification and Household Food Security*. Mexico City: Sasakawa African Association.
5. Brush, C. 1992. Research on women business owners: past trends, a new perspective and future directions. *Entrepreneurship, Theory and Practice*, 16(4): 5-30.
6. Brush, C. 1997. Women-owned businesses: obstacles and opportunities. *Journal Development Entrepreneurship*, 2(1): 1-24.
7. Brush, C.G., Carter, N.M., Greene, P.G., Hart, M.M., and Gatewood, E. 2002. The role of social capital and gender in linking financial suppliers and entrepreneurial firms: a framework for future research. *Venture Capital: An International Journal of Entrepreneurial Finance*, 4(4): 305–323.
8. Buttner, E.H. 1993. Female entrepreneurs: how far have they come? *Business Horizons*. 36(2): 59-65.
9. Coleman, S. 2004. Access to debt capital for women- and minority-owned small firms: does educational attainment have an impact. *Journal of Developmental Entrepreneurship*. 9: 127–145.
10. Fasci, M.A., Valdez, J., and July, L. 1998. Performance contrast of male- and female-owned small accounting practice. *Journnal Small Business Management*, 2: 1–7.
11. Fonjong, L. 2004. Challenges and Coping Strategies of Women Food Crops Entrepreneurs in Fako Division Cameroon. *Journal of International Women's Studies*, 5: 215-235.
12. Gelard, P. 2004. Factors affecting the entrepreneurship development of Iranian women. *Journal of Women, Studies and Research Center of Tehran University*, 3(1): 110-123. (In Persian)
13. Harding, R. 2004. *Global Entrepreneurship Monitor UK 2004*. London: GEM. 87-91.
14. Harrison, R.T., and Mason, C.M. 2005. Does gender matter? Women business angels and the supply of entrepreneurial finance in the United Kingdom. Working Paper.
15. Javaheri, F., and Ghezavati, S. 2005. Studying the impact of gender inequality on women entrepreneurship in Iran: obstacles for women job creation. *Iran Sociology Magazine*, 18: 161-178. (In Persian)

16. Kantor, P. 2002. Gender, Micro-enterprise success and cultural context: The case of South Asia. *Entrepreneurship: Theory and Practice*, 26(4): 131-142.
17. Karimi, Z. 2006. Government Supports Role in Job Creation for Women: Casual Study: Women Cooperatives in Mazandaran Province. *Journal of Iran Economic Rev*, 17(2): 131-158. (In Persian)
18. Laxmi, M. 2011. Women entrepreneurship development in India: Issues and challenges, Eighth AIMS International Conference on Management, campus of Indian Institute of Management Ahmedabad, India. January 1-4.
19. Majd, H., Ramia, I., Rabie, N., and Hala, H. 2010. Women Entrepreneurship in Syria Characteristics and Challenges. Research Project Presented to the University of Cadiz (UCA) by the Syria Trust for Development. 75-86.
20. Nayyar, P., Sharma, A., Kishtwaria, J., Rana, A., and Vyas, N. 2007. Causes and Constraints Faced by Women Entrepreneurs in Entrepreneurial Process. *Journal of Social Science*, 14: 99-102.
21. Saber, F. 2002. Strategies to development of women's entrepreneurship: strategies for women's empowerment to the economic, social and political equality in Iran. Tehran: Roshangaran publication and women's studies, 56-75p. (In Persian)
22. Statistical Center of Iran, 2011. Population and housing census.
23. Statistical Center of Iran. 2011. Statistical Yearbook of Iranian Centre. (In Persian)
24. Tambunan, T. 2009. Women entrepreneurship in Asian developing countries: Their development and main constraints. *Journal of Development and Agricultural Economics*, 1(2): 027-040.
25. Verheul, I., and Thurik, R. 2001. Start-up capital: Does gender matter? *Small Business Economics*, 16: 329-345.



Gorgan University of Agricultural
Sciences and Natural Resources

Journal of Entrepreneurship in Agriculture Vol. 2 (1), 2015
<http://jead.gau.ac.ir>

Identifying Challenges Faced by Women Entrepreneurs of Kermanshah Province

***R. Ghambarali¹ and F. Rostami²**

¹Assistant Prof., Dept. of Rural Development, Lorestan University, ²Assistant Prof.,
Dept. of Agricultural Extension and Rural Development, Razi University

Received: 06/07/2014 ; Accepted: 01/06/2015

Abstract

A significant increase of employed women is an undeniable fact of Iranian society. Yet, social studies show that only limited number of employed women is becoming entrepreneurs. Suitable socio-cultural context is essential for the emergence of entrepreneurial activities. Study the problems of women entrepreneurs contribute to identify existing constraints, the revision of the future path and ultimately increase their personal and social efficiency. Therefore, the purpose of this paper was to examine the problems and constraints faced by women entrepreneurs in the process of their entrepreneurial activities. This study was conducted by qualitative paradigm and grounded theory approach. Semi-structured interviews and taking notes were used for data collection. Study started with Purposeful sampling and during the evolution of classes, followed by theoretical sampling. Data was analyzed using comparative analysis as suggested by Strauss and Corbin. 15 women entrepreneurs participated in this study that working in three sectors (industry, agriculture and services). The Results showed that women entrepreneurs are faced with the financial, marketing, personality, family, cultural, and scientific challenges. Lack of access to capital, distrust of banks and investors to women, lack of access to the market, existence of middlemen and brokers, lack of legal knowledge, knowledge of accounting and finance, conflict of roles, stress, discrimination, the existence of patriarchy culture in society and fear of failure are some of these problems.

Keywords: Entrepreneurship, Women entrepreneurs, Entrepreneurship obstacles, Grounded theory

*Corresponding author: rezvagh20007@yahoo.com

